

Considering the growth of technology and the increasing advancement of computer science and communication, today, by combining these technologies and the science of laws, benefits can be added to the trial process. One of the most important manifestations of the use of computer and communication technologies is the creation of an electronic trial system. In this study which has been prepared and regulated descriptively and analytically, all efforts have been made to understand what prerequisites and requirements are necessary to use e-trials be conducted electronically for juvenile due to its advantages for them. The findings of the study indicate that issues such as online trial and providing facilities to achieve this matter in terms of hardware and software, electronic notifications to children or their parents, electronic testimony of children, and electronic registration of personality files and the realization of the possibility of virtual and closed trial for children through e-trial are among the requirements of juvenile e-trial, all of which have positive benefits for children. For example not needing their presence according to the emphasis of the Code of Criminal Procedure, reducing the fear of dying to testify, not losing the children's cases, reducing the time of the trial and the involvement of the child in the trial, not disclosing the information and identity of the child and the possibility of resocialization and prevention from labeling children's identities in open and inperson trials are among these items

تعارض ادله سنتی و الکترونیکی

مجید دهقانی^۱محمد رضا فلاح^۲سیدجعفر هاشمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳/۱۲/۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۷/۵/۱۴۰۱

چکیده:

دادرسی الکترونیکی به تبع تغییر و تحولات تکنولوژی و علوم رایانه‌ای، در ایران و حقوق کشورهای اتحادیه اروپا مورد استفاده قرار گرفته و رفته رفته به متن قوانین نیز نفوذ کرده و دارای چهارچوب مدون و تقنینی شده است. در روند دادرسی الکترونیکی نیز بحث ادله اثبات دعوا و استناد به ادله الکترونیکی از جمله مباحث چالشی بوده است که در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی تهیه و تنظیم شده است به جوانب مختلفی از آن پرداخته شده و درصدد پاسخ به این مسائل بوده است که اساساً ادله سنتی و الکترونیکی در اثبات دعوی چه تاثیری ایفا خواهند کرد و هرکدام چه مزایا و معایبی دارند. نتایج و یافته‌های پژوهش بیانگر این است که هم در حقوق ایران (در قوانین نظیر قانون تجارت الکترونیکی یا آیین‌نامه جمع‌آوری و استناد پذیری ادله الکترونیک) و هم در حقوق کشورهای اتحادیه اروپا (نظیر فرانسه و انگلستان) به این موضوع توجه شده و امروزه ادله اثبات الکترونیکی نظیر سند الکترونیکی، امضای الکترونیکی، اقرار یا شهادت الکترونیکی و غیره در دادرسی الکترونیکی تاثیر بسزایی داشته، زیرا همانند ادله سنتی در فرایند دادرسی موثر بوده، سبب تسهیل کشف حقیقت شده و مزایای بی‌شماری از جمله حفظ نسخه اصلی و ضعیف بودن احتمال نابودی آنها و البته امکان بازیابی و غیره دارد و در کنار ادله سنتی و یا حتی به طور مستقل می‌تواند در فرایند دادرسی تاثیر بسزایی بگذارد. نحوه جمع‌آوری و البته استناد به داده‌ها نیز از همان چهارچوب ادله سنتی پیروی می‌کند مگر در برخی از موارد خاص و استثنایی که نظام مخصوصی برای جمع‌آوری و یا استناد به ادله الکترونیکی تعریف شده باشد. در مجموع حقوق کشورهای اروپایی به واسطه دو عامل یعنی بهره‌گیری زودتر از علوم و تکنولوژی در دادرسی نسبت به ایران و تجربه تقنینی بیشتر در این حوزه، از مقررات داخلی پیشرفته‌تر محسوب می‌شود، اما در سال‌های اخیر در حقوق داخلی نیز تحولات قابل قبولی در این حوزه روی داده و دادرسی الکترونیکی و استناد به ادله الکترونیکی در جایگاه استنادی قرار دارد.

کلید واژگان: اثبات دعوی، دادرسی الکترونیکی، ادله الکترونیکی، حقوق ایران، اتحادیه اروپا.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

^۲ استادیار گروه حقوق دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

بیان مساله

از منظر تاریخی، پیدایش فضای سایبری و محیط الکترونیکی دقیقاً پس از رویدادهای جهانی مانند جنگ جهانی دوم و با رونق گرفتن فناوری‌های نوین اتفاق افتاد و بعدها با رشد فناوری و سطح آگاهی و دانش میان کشورها و جایگزینی بسیاری از امور از حالت فیزیکی و مادی و سنتی به کامپیوتری و محیط الکترونیکی و نیاز مبرم مردم و دولت‌ها به آن، توسعه روز افزونی یافته است. (باستانی، ۱۳۸۶: ۷۶)

امروزه به واسطه رشد فناوری‌ها و تکنولوژی‌ها محیط الکترونیکی از جنبه‌های مختلف، بسیار بیش از پیش کاربردی شده و به تبع این امر در اختیار همگان قرار گرفته است و در قالب شبکه‌های اجتماعی، پایگاه‌های الکترونیکی و دیتاهای مرکزی، بسیاری از امور دولتی نظیر بانک، بیمه و یا اطلاع‌رسانی‌ها و خبرگزاری‌ها و ارتباطات و حتی امور قضایی و رسیدگی و ادله اثبات دعوی به این محیط منتقل شده و از آن بهره‌برداری می‌گردد (معینان، ۱۳۹۶: ۱۲)

به همین دلیل به واسطه این رشد و گستردگی ضرورت دارد در خصوص اثبات دعاوی در دادرسی الکترونیکی بررسی و مطالعه کاملی انجام گیرد که این هدف، از جمله مهمترین مسائل و دغدغه‌های طرح این موضوع پژوهشی است.

با توجه به رشد روزافزون فناوری و انتقال امور حقوقی به فضای الکترونیکی، در کنار آنچه که ما آن را «نظام سنتی دادرسی» می‌نامیم، نظامی تحت عنوان «دادرسی الکترونیکی» نیز ایجاد گردیده است. این تاسیس در اصل واکنشی است به لزوم اجتماعی و حقوقی شکل‌گیری دادرسی در عرصه الکترونیکی ایجاب می‌نماید.

مزایایی نظیر سرعت و دقت بیشتر، هزینه کمتر، سهولت در انجام کار، امکان نظارت و بسیاری از موارد دیگر سبب شده است که امور اجرایی و قضایی و حقوقی به سمت و سوی فضای الکترونیکی سوق پیدا کند. در این بین، ادله اثبات تافته جدا بافته تلقی نمی‌شوند و آنها نیز تحت تاثیر این تحولات قرار گرفته و جلوه‌های نوینی از خود بروز میدهند که قابلیت تامل و بررسی و تجزیه و تحلیل حقوقی دارد.

فضای الکترونیکی فضایی دانست غیر مادی است که دیتاها و اطلاعات مربوط به ملل، فرهنگ، کشورها و اشخاص و ... در آن گنجانده شده است، در این عرصه ناملموس، این اطلاعات و دیتاها قابل بهره‌برداری توسط همگان و به واسطه سیستم‌های رایانه‌ای است که در سراسر جهان به همدیگر از طریق خطوط اینترنت مرتبط هستند.

در حقوق داخلی برای تحقق بخشیدن به نظام دادرسی الکترونیکی و بحث ادله اثبات دعوی الکترونیکی، تلاش‌هایی از سوی قانونگذار صورت پذیرفته است. به بیان دیگر با توجه به سیاست‌های کلی قضایی در برنامه‌های پنجم توسعه ناظر بر بهره‌برداری از فناوری‌های نوین خصوصاً در زمینه‌های اطلاعات، ارتباطات، فرایند دادرسی و خدمات ثبت، مجلس شورای اسلامی بر آن شد تا این بحث را به صورت جدی‌تر دنبال نموده و نتیجه و ماحصل این تلاش، تصویب قانون دادرسی الکترونیک در ۱۳۹۳/۷/۸ گردید.

به موجب این قانون کلیه اقدامات قوه قضائیه نه فقط الکترونیکی می‌شود بلکه از همین طریق، در اختیار مردم قرار می‌گیرد. نیروی انتظامی و شعب دادگاه‌ها، وکلا، کارشناسان، ضابطان و دستگاه‌ها، هیأت‌ها و کمیسیون‌های ذی‌ربط و هرچه در امر دادگستری دخیل است، در یک درگاه (سایت) اینترنتی، به هم می‌پیوندند و در اختیار مردم قرار می‌گیرند.

دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه، نظیر دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان پزشکی قانونی، سازمان قضایی نیروهای مسلح و مراجع ذی‌ربط در عفو و بخشودگی و سجل کیفری و روزنامه رسمی جمهوری اسلامی، همگی از طریق درگاه ملی قوه قضائیه و شبکه ملی عدالت موظف به ارائه خدمت به مردم خواهند بود. این قانون، دامنه خدمات این درگاه را به ادارات و سازمان‌های بیرون از بدنه قوه قضائیه هم سرایت داده و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی را نیز که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، به پیوستن به شبکه ملی عدالت که اکنون با پیوند به همه مراجع ذی‌ربط، روی میز قاضی و مقابل نگاه او خواهد بود، مکلف کرده است و به موجب ماده ۶۵۳ همین قانون، دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی غیر دولتی و شخصیت‌های حقوقی بخش خصوصی موظفند پاسخ لازم استعلام مراجع قضایی و اطلاعات خواسته شده را از طریق شبکه مزبور اعلام کنند.

البته ردپای نظام دادرسی الکترونیکی و البته ادله اثبات الکترونیکی در بخش آیین دادرسی جرائم رایانه‌ای، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و آن بخش از قانون که در سال ۱۳۹۴ به آن ضمیمه شد و همینطور قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و همینطور قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ را می‌توان یافت.

به عنوان مساله و دغدغه اصلی این پژوهش چندین رویکرد باید مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد که در ادامه به تبیین این مسائل و چالش‌های کاربردی اشاره شده خواهیم پرداخت.

در گام نخست، استفاده از ادله اثبات نظام سنتی دادرسی در نظام دادرسی الکترونیکی مورد بحث است، بدین معنا که بدو باید بررسی شود که آیا نظام دادرسی الکترونیکی، به عنوان یک نظام دادرسی مستقل دارای ادله اثبات مستقل نیز می‌باشد یا خیر و اگر از نظر ادله مستقل از نظام سنتی دادرسی عمل می‌کند، این ادله شامل چه مواردی می‌شود و دوم اینکه باید به این موضوع پرداخته شود که اگر نظام دادرسی الکترونیکی، دارای ادله اثبات مستقل است، آیا در کنار آن از ادله اثبات سنتی نظیر اقرار، شهادت شهود، اسناد، سوگند و غیره نیز بهره می‌برد یا خیر.

گام دومی که در این پژوهش باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. مطالعه تطبیقی نظام دادرسی الکترونیکی، در برابر نظام دادرسی سنتی است، در این گام نیز نخست باید مزایای نظام دادرسی الکترونیکی نسبت به نظام دادرسی سنتی مورد مطالعه قرار گیرد، این موارد شامل کاهش اطاله دادرسی، سرعت بخشیدن به رسیدگی، استفاده از نرم افزارها و علوم و فنون نوین رایانه‌ای برای کاهش احتمالات خطایی و غیره اشاره کرد و دوم، باید معایب یا به عبارتی چالش‌هایی که نظام دادرسی الکترونیکی در بخش ادله اثبات دعوی با آن روبرو است تحلیل حقوقی شود. از جمله این موارد می‌توان به عدم ملموس بودن ادله و ناتوانی در اقتناع طرفین رسیدگی اشاره کرد که به واسطه عدم ملاحظه ملموس مدارک و شواهد، ممکن است به رای و رسیدگی تمکین نکنند.

در گام سوم که به نوعی ادامه دهنده چالش‌های استفاده از ادله الکترونیکی می‌باشد، می‌توان به موارد غیر حقوقی که بیشتر جنبه اجرایی دارد اشاره کرد، به عنوان نمونه فقدان ساختارها و زیرساخت مربوط به دادرسی الکترونیکی، تجهیزات لازم، الکترونیکی شدن اکثریت امور قضایی بخشی از این موارد هستند، البته در بخش دیگری نیز می‌توان به فقدان قوانین متناسب با تبدیل وضعیت از نظام دادرسی سنتی به دادرسی الکترونیکی اشاره داشت.

گام دیگر و مهم این پژوهش که از منظر کاربردی می‌تواند بسیار راهگشای نظام حقوقی داخلی نیز جلوه کند، بحث تطبیق قوانین و مقررات مربوط به اثبات دعوا و ادله اثبات در دادرسی الکترونیکی و اصولاً ساختار حاکم بر دادرسی الکترونیکی در کشورهای پیش رو در این زمینه از جمله کشورهای اروپایی نظیر انگلیس و فرانسه است.

در این بخش باید بدو ساختار نظام حقوقی کشورهای اروپایی از منظر توجه به دادرسی الکترونیکی و استفاده از ادله اثبات دعوا در این نظام‌های حقوقی مورد بررسی قرار بگیرد و آن بخش که با فرهنگ و عرف و قوانین داخلی تعارض و تناقضی ندارد، قابل تطبیق با حقوق داخلی شناخته شده و مورد استفاده قرار گیرد. سپس باید ملاحظه نمود که در این نظام‌های اروپایی در خصوص تطبیق ادله سنتی مانند اقرار و شهادت و اسناد با ادله الکترونیکی چه رابطه‌ای ایجاد شده است و چه بخشی از ادله اثبات الکترونیکی و امادار ادله سنتی اثبات دعوی و چه بخشی از آن نوین و مستقل است. قطعاً با بررسی ادله اثبات در کشورهای اروپایی و تطبیق آن با آنچه که تاکنون در نظام حقوق داخلی در این خصوص اعمال شده است، می‌تواند وضعیت حقوق داخلی، چالش‌ها، راهکارها و مطالب ارزنده دیگری را نمایان سازد.

اهداف پژوهش

شناسایی و تبیین راهکارهای الکترونیکی نوین در حل و فصل دعاوی

شناسایی راهکارهای رفع اطاله دادرسی و صرفه‌جویی در هزینه‌های دادرسی متحمل به طرفین و قوه قضاییه

تبیین و به روز رسانی قوانین و رویه قضایی در دادرسی الکترونیکی و استفاده از ادله اثبات دعوا

سوال‌های پژوهش

سوال اصلی:

در دادرسی الکترونیکی، طرفین چگونه از ادله اثبات دعوا از جمله ادله اثبات دعوی سنتی استفاده می‌نمایند؟

سوال‌های فرعی:

۱. آیا ادله اثبات در نظام الکترونیکی به طور کامل مجزا و مستقل از ادله اثبات دعوی سنتی است؟

۲. ادله الکترونیکی چه مزایایی نسبت به ادله سنتی دارد و با چه چالش‌ها و کاستی‌هایی روبرو است؟

۳. کشورهای اروپایی از جمله انگلیس و فرانسه از نظر حقوقی در خصوص استفاده از ادله اثبات الکترونیکی چه وضعیتی دارند؟

۴. آیا مقررات حاکم بر کشورهای اتحادیه اروپا در خصوص ادله الکترونیکی در حقوق ایران نیز قابلیت اجرا دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی:

به نظر می‌رسد ادله اصلی و سنتی اثبات دعوی نظیر اقرار یا شهادت، در نظام ادله اثبات الکترونیکی نیز کاربرد داشته باشد، هرچند که تشریفات حاکم بر آن و فرایند اخذ آنها متفاوت و متغیر با آنچه باشد که در نظام سنتی اجرا می‌شد.

فرضیه‌های فرعی:

۱. به نظر می‌رسد نظام ادله الکترونیکی، ترکیبی از ادله اثبات الکترونیکی و بهره برداری از نظام ادله سنتی مانند اقرار و شهادت باشد.

۲. به نظر می‌رسد مجموعه ادله اثبات الکترونیکی منجر به سهولت بیشتر، سرعت بیشتر، کاهش اطلاع دادرسی و کاهش هزینه شود و فقدان قوانین متناسب، فراهم نبودن زیرساخت‌ها، ملموس نبودن ادله، عدم اقتناع طرفین رسیدگی بخشی از این چالش‌ها باشد.

۳. به نظر می‌رسد کشورهای اروپایی در خصوص ادله اثبات الکترونیکی پیش رو بوده و با توجه به گسترش دادرسی الکترونیکی در این کشورها، ادله اثبات الکترونیکی جایگاه رفیع حقوقی در این نظام‌ها دارد که با تطبیق آن با حقوق داخلی می‌توان از ظرفیت آن بهره برداری نمود.

۴. به نظر می‌رسد آن بخشی که با فرهنگ، عرف، شرع و سایر قوانین داخلی تطبیق داشته باشد قابلیت اجرایی شدن در حقوق داخلی را خواهد داشت.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

- زرکلام، ستار، امضای الکترونیکی و جایگاه آن در نظام ادله اثبات دعوا، نشریه مدرس علوم انسانی، شماره ۲۸، ۱۳۸۲.

گرایش روز افزون به استفاده از فناوری اطلاعات و گسترش سریع و ناگزیر تجارت الکترونیک در سطح بین‌المللی، پیش‌بینی ساز و کارهای حقوقی لازم در این خصوص را ایجاب می‌کند. با توجه به ماهیت مجازی و غیرمادی مبادلات الکترونیک یکی از مهمترین مسائل از دید حقوقی اثبات این مبادلات و هویت طرفین آن است. امضای دیجیتال یا سایر فنون رمزنگاری ریاضی که زیر مجموعه‌های امضای الکترونیکی هستند چنین امری را ممکن می‌سازد. در بخش اول این مقاله پس از تعریف امضای الکترونیکی، انواع این امضا و مستندسازی آن از دید مقررات سازمان‌های بین‌المللی نظیر آنستیرال و اتحادیه اروپا و نیز حقوق فرانسه - که مقررات راجع به امضای الکترونیکی را در قانون

مدنی خود وارد کرده است-مورد بحث قرار می‌گیرد تا در بخش دوم جایگاه دلایل الکترونیک در نظام سنتی ادله اثبات دعوا بررسی شود. در این فصل، ارزش اثباتی امضای الکترونیک در سیستم‌های بسته و سیستم‌های باز و سرانجام نحوه حل تعارض دلایل الکترونیک و دلایل سنتی اثبات دعوا مطالعه خواهند شد.

- موذن زادگان، حسن علی، شایگان، محمد رسول، استناد پذیری و تحصیل ادله الکترونیکی در حقوق ایران، نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۴۸، ۱۳۸۸.

در این مقاله آمده است که با گسترش حوزه فناوری اطلاعات در تمامی ابعاد زندگی بشر و همچنین تأثیر آن در حوزه حقوق، بحث اسناد و مدارک ناشی از کارکردهای این فناوری مطرح می‌گردد. مهمترین بخش از دادرسی مربوط به تکنولوژی الکترونیکی ناظر به ادله اثبات دعوا است. حقوق سنتی به دلیل گسترش فناوری‌های نوین با چالش‌های جدیدی روبرو شده است، به طوری که با جایگزینی ادله غیرقابل رؤیت و غیرملموس در عرصه تکنولوژی الکترونیکی و فناوری اطلاعات و ارتباطات با ادله ملموس و قابل رؤیت، مقامات قضایی با مشکلات عدیده‌ای در زمینه تحقیق، تفتیش و جمع‌آوری ادله مواجه شده‌اند. دلایل الکترونیکی انعکاس متفاوتی از سایر دلایل مطرحه در دنیای فیزیکی دارند و به علت دارا بودن ویژگی‌های منحصر به فرد خود مستلزم قواعد و تدابیر جدیدی می‌باشند. به همین خاطر بحث ارزش اثباتی و همچنین جمع‌آوری و حفظ تمامیت و اعتبار آنها برای ارائه در رسیدگی‌های قضایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

- شهبازی نیا، مرتضی و عبدالهی، محبوبه، دلیل الکترونیک در نظام ادله اثبات دعوا، نشریه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۴، ۱۳۸۹.

بر اساس یافته‌های این مقاله، در عصر حاضر، ظهور ابزارهای جدید اطلاعاتی و ارتباطی، روش‌هایی جدید را برای برقراری ارتباط و تولید و ذخیره اطلاعات به وجود آورده است؛ استفاده از این روش‌ها در روابط تجاری و روزمره مردم، موجب ایجاد نوعی جدید از دلیل با ماهیتی متفاوت به نام دلیل الکترونیک شده است. با وجود آنکه ماهیت دلیل الکترونیک متفاوت از دلیل سنتی است، می‌توان با به کارگیری روش‌های فنی، عناصری را که قانون برای اعتبار دلیل لازم می‌داند، در دلایل الکترونیک تامین کرد. به همین جهت، قانون تجارت الکترونیک، ضمن برابر شمردن داده پیام و امضای الکترونیکی با نوشته و امضای سنتی، دلایل الکترونیک را به عنوان نوعی جدید از دلیل معتبر تلقی کرده و واجد ارزش اثباتی می‌داند. در این مقاله، دلیل الکترونیک را معرفی کرده و به بررسی ارزش اثباتی آن پرداخته شده است.

- قرجه لو، علیرضا، ادله الکترونیکی در حقوق کیفری ایران و انگلستان، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۳، ۱۳۸۹.

در این مقاله نیز آمده است که اثبات در موضوعات کیفری مساله‌ای است که با توجه به پیچیده‌تر شدن جرایم، رو به تحول و تغییر می‌باشد. به این ترتیب ارزش اثبات نیز که در گذشته بر پایه ادله سنتی قرار داشته، امروزه در ادله مدرن قابل بررسی است. هیات منصفه و قضات هم نسبت به گذشته که صرفاً بر مبنای علم شخصی خود به ارزیابی ادله‌هایی مثل شهادت و اقرار می‌پرداختند، امروزه ناگزیرند به ادله علمی (از جمله ادله الکترونیکی) رجوع نموده و از

کارشناسان نیز استفاده کنند. در این مقاله سعی شده بررسی ادله الکترونیکی به عنوان یک دلیل علمی و ارزش اثباتی آن به عنوان یک عامل قطع آور و یا ظن آور بررسی شود.

- مولودی، محمد و فرهانی، رسول، بررسی تطبیقی افشای اسناد و اطلاعات الکترونیکی در ادله اثبات دعوا در حقوق انگلیس، آمریکا و ایران، نشریه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۲، ۱۳۹۴.

چکیده یکی از نتایج مهم توسعه فناوری اطلاعات، تولید و ذخیره‌سازی روزافزون اسناد و اطلاعات الکترونیکی است. با پذیرش ارزش اثباتی اسناد و اطلاعات الکترونیکی، آن‌ها به یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین ادله اثبات دعوا تبدیل شده‌اند. امروزه در موارد بسیاری اصحاب دعوا ناگزیرند برای اثبات ادعای خود، از این دلیل اثباتی بهره بگیرند. هنگامی که اسناد و اطلاعات الکترونیکی مربوط به دعوا در اختیار و تصرف مدعی علیه است، طرف دیگر (مدعی) می‌تواند افشای آن‌ها را جهت اثبات ادعای خود درخواست کند. براساس این درخواست، مدعی علیه مکلف است طی چهار مرحله، فرایند افشا را طی کرده، اسناد و اطلاعات الکترونیکی درخواست شده را ارائه کند. پژوهش حاضر درصدد است ضوابطی را که بر افشای اسناد و اطلاعات الکترونیکی حاکم است و نیز ضمانت اجرای آن را در حقوق انگلیس، آمریکا و ایران، به صورت تطبیقی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

جنبه نوآوری پژوهش

نظر به اهمیت ادله اثبات در فرایند حل و فصل اختلافات و تحولات ایجاد شده در زمینه فناوری های نوین به عنوان نوشته مطالعه در خصوص جنبه های مختلف دادرسی الکترونیکی و چگونگی اثبات دعوی در این مورد ضرورت غیر قابل انکاری است که با توجه به عدم انجام پژوهش جامعی در این زمینه پرداخت به موضوع از نوآوری روز برخوردار بوده و جدید تلقی می شود.

روش پژوهش

روش پژوهش بصورت توصیفی، اسنادی با تحلیل محتوی

روش گردآوری تحقیق و ابزار آن

استفاده از کتب، مجلات و نوشتارها و سایت های حقوقی و جمع آوری و بررسی آنها و با ابزار فیش برداری انجام خواهد شد.

ساختار پژوهش

ساماندهی این پژوهش در قالب سه فصل اصلی تهیه و تنظیم شده است تا جوانب مختلف پژوهش پوشش داده شود، پیش از آغاز فصول، در تبیین مقدمات، مساله اصلی پژوهش و سوال های مطرحه و فرضیه های آنها مورد توجه قرار خواهد گرفت تا مسیر اصلی پژوهش و اهداف آن روشن شود. در فصل نخست که موضوع شناسی نام دارد از یک سو مفاهیم کلیدی پژوهش که توضیح آنها ضرورت دارد نظیر دلیل و ادله و اماره و دادرسی الکترونیکی بررسی شده و از سوی دیگر به پیشینه ادله اثبات دعوی در اعصار مختلف تاریخی پرداخته شده و نهایتاً به پیشینه اسناد الکترونیکی

در حقوق ایران و اتحادیه کشورهای اروپایی پرداخته شده است. در فصل دوم که نقش ادله اثبات در دادرسی الکترونیکی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا نام دارد مباحث مهمی نظیر تفاوت و شباهت ادله سنتی و الکترونیکی و ماهیت حقوقی آنها و همینطور مصادیق ادله اثبات دعوی در فقه و قانون و البته انواع قانونی ادله اثبات الکترونیکی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. فصل سوم ذیل عنوان استناد به ادله الکترونیکی در دادرسی الکترونیکی در حقوق و اتحادیه اروپا، به مزایا و معایب استناد به ادله الکترونیکی و نحوه جمع‌آوری ادله اثبات الکترونیکی پرداخته شده و سپس به تعارض ادله الکترونیکی با همدیگر و با ادله سنتی و البته آثار ناشی از این تعارض پرداخته شده و در نهایت به بررسی رویه قضایی در خصوص ادله اثبات الکترونیکی پرداخته شده است. در پایان این پژوهش نیز در نتیجه‌گیری و پیشنهاد به جمع‌بندی مطالب مطروحه پرداخته شده و راهکارهایی نیز ارائه گردیده است.

پیشینه اسناد الکترونیکی

در ادامه سلسله مباحث مربوط به پیشینه، در این قسمت به بررسی پیشینه اسناد الکترونیکی و همینطور دادرسی الکترونیکی هم در حقوق ایران و هم در حقوق اتحادیه اروپا اشاره خواهیم کرد تا روشن گردد که استناد جستن به ادله الکترونیکی و الکترونیکی کردن فرایند دادرسی از نظر تاریخی چه مراحل را طی کرده است.

بند اول: در حقوق ایران

با گسترش حوزه فناوری اطلاعات در تمامی ابعاد زندگی بشر و همچنین تأثیر آن در حوزه حقوق، بحث اسناد و مدارک ناشی از کارکردهای این فناوری مطرح می‌گردد. مهمترین بخش از دادرسی مربوط به تکنولوژی الکترونیکی ناظر به ادله اثبات دعوا است. حقوق سنتی به دلیل گسترش فناوری‌های نوین با چالش‌های جدیدی روبرو شده است، به طوری که با جایگزینی ادله غیرقابل رؤیت و غیرملموس در عرصه تکنولوژی الکترونیکی و فناوری اطلاعات و ارتباطات با ادله ملموس و قابل رؤیت، مقامات قضایی با مشکلات عدیده‌ای در زمینه تحقیق، تفتیش و جمع‌آوری ادله مواجه شده‌اند. دلایل الکترونیکی انعکاس متفاوتی از سایر دلایل مطروحه در دنیای فیزیکی دارند و به علت دارا بودن ویژگی‌های منحصر به فرد خود مستلزم قواعد و تدابیر جدیدی می‌باشند. به همین خاطر بحث ارزش اثباتی و همچنین جمع‌آوری و حفظ تمامیت و اعتبار آنها برای ارائه در رسیدگی‌های قضایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.^۱

اگر مفروض بداریم که به سبب وجود موانع قانونی که به طور عمده ناشی از متابعت سیستم قانونی تحصیل دلیل است، اطلاعات رایانه‌ای و دیجیتالی برای دادگاه سندیت نداشته باشد و نتواند دلیل واقع شود و در صورتی که داده پیام‌ها و اسناد الکترونیک از ارزش اثباتی لازم در محاکم برخوردار نباشند، مشکلات و چالش‌های حقوقی فراوانی به وجود می‌آید.

^۱موذن زادگان، حسن علی و شایگان، محمدرسول، استناد پذیری و تحصیل ادله الکترونیکی در حقوق کیفری ایران، نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۴۸، ۱۳۸۸، ص ۷۷.

با عنایت به ویژگی فضای رایانه‌ای که امکان دستکاری، تغییر، نسخه‌برداری و حذف اطلاعات الکترونیکی را به راحتی فراهم می‌کند، طبیعی است که دادرسی در خصوص اعتبار اسناد مذکور با احتیاط بسیار رفتار کرده و در حالت عادی، حداکثر آنها را به عنوان قرینه‌ای بر مدعا تلقی کند.

بدیهی است که گاه ممکن است داده پیام از هیچ ارزش اثباتی برخوردار نباشد و در نتیجه دلیلی معتبر تلقی نگردد. همچنین ممکن است کسانی با استناد به ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی که می‌گوید: «سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد»، با پذیرش پیغام‌های الکترونیکی به عنوان سند مخالف نمایند زیرا در این ماده نوشته بودن از شرایط اصلی سند، معرفی شده در حالی که پیغام‌های الکترونیکی نوشته نیستند و نوشته حتماً باید از ثبت جوهر یا بر روی کاغذ به وجود آید.

اصولاً داده پیام‌هایی که در فضای مجازی مبادله می‌گردند، از نظر قانونی دارای اعتبار هستند و در تجارت الکترونیک و ارزش ادله الکترونیکی، اسناد الکترونیکی ممتاز نیز به دلیل اعتبار خاصی که قانون به آنها بخشیده است دارند. چنین دلالی را از ارایه دلایل دیگری برای اثبات اصالت بی‌نیاز می‌کند.^۲

اطلاعاتی که در قالب داده پیام هستند اعتبار حقوقی دارند، ماده ۸ قانون تجارت الکترونیکی در خصوص ارائه اصل سند از طریق داده پیام، برای اعتبار داده پیام شروط دیگری مقرر شده که همگی باید احراز شود. اسناد رسمی طبق نص قانون مدنی، در نظر مامورین رسمی تنظیم می‌شوند و به دلیل ارزش اثباتی بالایی که در محاکم دارند قانونگذار ادعای تردید و انکار در خصوص آنها را نپذیرفته است، قدرت اجرایی اسناد رسمی از آثار اعتبار آنها است. ماده ۹۳ قانون ثبت کلیه اسناد رسمی راجع به دیون و سایر اموال منقول را بدون احتیاج به حکمی از محاکم عدلیه لازم الاجرا دانسته است، بنابراین ارزش اثباتی اسناد رسمی الکترونیکی مانند ارزش اثباتی اسناد رسمی است.

اسناد الکترونیکی که بدون حضور مامور رسمی یا خارج از حدود صلاحیت آنها تنظیم می‌شود، سند عادی الکترونیک محسوب می‌شوند. سند عادی با یک امضای الکترونیکی ساده تصدیق می‌شود، این امضا می‌تواند به صورت تصویر ساده امضای دستی یا تایپ نامشخص در زیر سند، آدرس پست الکترونیکی وی، یک کارت هوشمند، انتخاب گزینه موافقم یا گذر واژه باشد. مطابق ماده ۱۲۹۱ و ۱۲۹۲ قانون مدنی هرگاه صدور سند از منتسب الیه تصدیق شود و یا در دادگاه ثابت شود که سند مزبور توسط منتسب الیه امضا یا مهر شده است، سند عادی اعتبار سند رسمی را خواهد داشت و انکار تردید نسبت به آن مسموع نیست.

طبق قانون تجارت الکترونیک اسناد عادی الکترونیک از حیث اعتبار و ارزش اثباتی به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱. اسناد الکترونیکی که به صورت داده پیام و سوابق الکترونیک مطمئن تهیه و ذخیره شده‌اند. ۲. اسناد الکترونیکی که شرایط داده پیام مطمئن را ندارند. ارزش اثباتی سند الکترونیک داده پیام وقتی قابل استناد و اعتبار است که دارای امضا یا مهر باشد.

با تصویب قانون دادرسی الکترونیکی در سال ۱۳۹۳، کشور گام در راه تحول بزرگی گذاشته است و به سوی آثار بسیار شگفت‌انگیز آن می‌رود که البته ضرورتی جهانی و بین‌المللی است. آثاری که شاید بخشی از آن، به تصور

^۲ علی نژادی، محسن و علی نژادی، زهرا، اعتبار داده پیام در قراردادهای داخلی و بین‌المللی در تجارت الکترونیک، نشریه قانون‌یار، شماره ۳، ۱۳۹۶، ص ۲۱۱.

واضعان این قانون نیز نرسیده باشد. کافی است که ابلاغ به نشانی ایمیل افراد یا به تلفن همراه اشخاص را به جای ابلاغ‌ها و اخطارهای کاغذی به رسمیت بشناسد، دیگر، دفتر اندیکاتور و اندیکاتور نویس و کاغذ و نامه و مهر و پست و مامور ابلاغ و همه آنچه در مشکلات این کلمات می‌دانیم، از میان خواهد رفت. حتی وقتی جزئیات اطلاعات خواهان و خواننده و موضوع دعوی حتی بیش از آنچه طرفین محاکمه بدانند، در صفحه کامپیوتر قاضی پرونده موجود است و نرم افزار، در حین ورود اطلاعات، تمامی اشکالات و نواقص و مجهولات را بر طرف کرده و فیلترهای متعدد طراحی شده را اعمال نموده است، ایراد و اعتراض و تجدیدنظر چه معنایی خواهد داشت. حتی وقتی مثلاً اجزای حقوق و ریز مطالبات و جزئیات بدهی‌ها و تعهدات اشخاص به تاریخ روز و ماه و سال و دقیقه، در اختیار است، چه حاجتی به استعلام و کارشناس و غیره وجود دارد.^۳

دستور رهبر انقلاب طی ابلاغ سیاست‌های کلی قضایی پنج‌ساله به تاریخ ۱۳۸۸/۹/۲ ناظر بر «بهره‌برداری از فناوری‌های نوین خصوصاً در زمینه‌های اطلاعات، ارتباطات، فرایند دادرسی و خدمات ثبت، صادر شد و متعاقب آن، قانون مصوب مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۹۳/۷/۸ با عبارت درست «دادرسی الکترونیک» راه را بر همه بن بست‌های موجود برای مردم گشود.

عبارت «دادرسی الکترونیک»، مورد استفاده در قانون مجلس شورای اسلامی، بسیار دقیق و عام‌الشمول است و از عبارت ارائه خدمات الکترونیک قضایی که در آیین‌نامه آن مورد استفاده قرار گرفته است، بهتر و به مقصود نزدیک‌تر است. هرچند محتوای مقدمه آیین‌نامه نیز راسماً و فراگیر تنظیم شده است، اما از این نظر که جا افتادن عنوان «دادرسی الکترونیک» به تحقق آن بیشتر کمک خواهد کرد و به روح و منطوق ابلاغیه رهبر انقلاب نزدیک‌تر است، به جا است عبارت دادرسی الکترونیک که شامل کل پیکره سازمان قضایی کشور می‌شود و نه فقط دفاتر خدمات قضایی منظور نظر باشد. به نظر می‌رسد اهمیت این دست از قوانین به افکار عمومی عرضه نشده و مردم در جریان این راه کار بسیار مفید و سازنده که حتی آثار فرا قضایی نیز خواهد داشت، به خوبی آگاه نیستند. دولت الکترونیک نیز بخشی از راه خود را پیموده و پیشرفت‌هایی کرده و از سال ۱۳۹۳ قانون دادرسی الکترونیک، که بی‌گمان مکمل آن است، تحول الکترونیک کشور را تکمیل کرد.

به موجب این قانون کلیه اقدامات قوه قضائیه نه فقط کامپیوتری می‌شود بلکه از همین طریق، در اختیار مردم قرار می‌گیرد. نیروی انتظامی و شعب دادگاه‌ها، وکلا، کارشناسان، ضابطان و دستگاه‌ها، هیأت‌ها و کمیسیون‌های ذی ربط و هرچه در امر دادگستری دخیل است، در یک درگاه (سایت) اینترنتی، به هم می‌پیوندند و در اختیار مردم قرار می‌گیرند. البته در این خصوص باید زیرساخت‌های توسعه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و استفاده از این فن‌آوری در روابط داخلی و خارجی دادگاه‌ها به منظور بهبود دسترسی به دادگستری و عدالت، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.^۴

۳. عشق پور، منصور و اکبرپور، نعمت الله، جایگاه دادرسی الکترونیک در حقوق ایران، نشریه مطالعات علوم اجتماعی، شماره ۳، ۱۳۹۵، ص ۲۰۲.

۴. شهبازی نیا، مرتضی و غمامی، مجید، فناوری اطلاعات و ارتباطات و عدالت قضایی، نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۹ و ۸۰، ۱۳۹۶، ص ۱۲۱.

دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه، نظیر دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان پزشکی قانونی، سازمان قضایی نیروهای مسلح و مراجع ذیربط در عفو و بخشودگی و سبج کیفری، و روزنامه رسمی جمهوری اسلامی، همگی از طریق «درگاه ملی قوه قضائیه» و «شبکه ملی عدالت» موظف به ارائه خدمت به مردم‌اند.

این قانون، دامنه خدمات این درگاه را به ادارات و سازمان‌های بیرون از بدنه قوه قضائیه هم سرایت داده و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی را نیز که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، به پیوستن به «شبکه ملی عدالت» که اکنون با پیوند به همه مراجع ذیربط، روی میز قاضی و مقابل نگاه او است، مکلف کرده است و به موجب ماده ۶۵۳ همین قانون، دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی غیر دولتی و شخصیت‌های حقوقی بخش خصوصی موظفند پاسخ لازم استعلام مراجع قضایی و اطلاعات خواسته شده را از طریق شبکه مزبور اعلام کنند. جالبتر این که قانونگذار در تبصره ماده ۶۵۲، شخصیت‌های حقوقی بخش خصوصی را نیز مشمول حکم قانونی قرار داده و به پاسخ دادن در این سامانه ملزم کرده است و کسانی را که در اجرای این حکم کوتاهی کنند، مشمول ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی - کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲- کرده است. به این ترتیب کلیه اطلاعاتی که پرونده ارجاعی برای رسیدگی و صدور رای قاضی نیاز دارد، به صورت به روز و با پیوند به تارنمای کلیه مراکز و دستگاه‌های دولتی و خصوصی، موجود است و در صورت هرگونه نقص و کاستی در اطلاعات، قاضی می‌تواند به راحتی از دستگاه مسئول و ذیربط از طریق رایانه استعلام و پاسخ آن را سریعاً دریافت کند.^۵

در چنین حالتی که تمامی فرایندها توسط رایانه و با درج خودکار و لحظه‌ای زمان و مدت و املا و انشای مکاتبات و درخواست‌ها و پاسخ‌ها انجام می‌گیرد، نه نیازی به استعلام‌های کتبی و زمانبر و مراجعات حضوری و شلوغی راهروها و اتاق‌ها و تماس‌های سالم و ناسالم است، و نه نیازی به تمبر و پست و مامور و بایگانی و کاغذ و پاکت و سفرهای درون شهری و برون شهری و تصادفات بین راه و ترافیک و آلودگی‌های اداری و هوایی و نارضایتی ارباب رجوع و اطلاع دادرسی و ابلاغ حکم پس از مراسم فوت محکوم‌له. قانون دادرسی الکترونیک، به حدی پیشرفته است که امکان به کارگیری سامانه‌های ویدئو کنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی به منظور تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت از شهود یا نظرات کارشناسی را هم به رسمیت شناخته است.

شاید شروع این تحول عظیم با تصویب قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ باشد. اما وقتی این قانون مقرر داشت سند می‌تواند یک «داده پیام» باشد، کسانی بودند که اگر هم مفهوم این عبارت را درک می‌کردند نه آن را جدی می‌گرفتند و نه عملی می‌دانستند. کسانی که به مفهوم سنتی و تاریخی کتابت خو گرفته بودند، باور نمی‌کردند که جز با مداد و خودنویس و لزوماً با جوهر ثابت، بتوان نوشت و چیزی به غیر از کاغذ را سند انگاشت.^۶

شاید دلیل تاخیر ورود به این میدان را نبودن زیرساخت‌های فنی و عوامل انسانی آشنا به کار می‌توان دانست. تدوین‌کنندگان قانون تجارت الکترونیک هم، به رغم جسارت شروع این اقدام مهم، شرط احتیاط را نیز در نظر داشته

^۵. جعفری، حمیدرضا و یعقوبی، نورمحمد، بررسی تاثیر کیفیت خدمات الکترونیک قضایی بر رضایتمندی شهروندان، نشریه پژوهش‌های مدیریت عمومی، شماره ۲۴، ۱۳۹۳، ص ۱۵۵.

^۶. دماوندی، مجید، مبانی، موانع و رویکردها در تجارت الکترونیک ایران، نشریه مدیریت فردا، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۴، ص ۱۲۲.

و در جاهایی مثل ماده ۶ آن قانون، ضمن تجویز تولید اسناد الکترونیکی و به رسمیت شناختن آن، همچنان سه مورد را استثنا کرده بود و در بخش مهمی از قانون نیز، به تعاریفی پرداخته بود که بیشتر به آموزش اصطلاحات کامپیوتری به افراد ناآشنا شباهت داشت. اما به هر حال، قانون تجارت الکترونیک با نوآوری‌های خود، گره کور سنت‌های کهنه مقررات شکلی را گشود و با ورود مفاهیمی مثل سند الکترونیک و امضای الکترونیکی، زمینه را برای به روز کردن مقررات شکلی دست و پاگیر فراهم کرد. هفت سال بعد متعاقب قانون تجارت الکترونیک، قانونگذار هرچند بیرون از حوزه قوه قضائیه و صرفاً در پیکره قوه مجریه، همه اسناد الکترونیکی را به رسمیت شناخت و در ماده ۴۸ قانون برنامه پنجم توسعه کشور مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ به طور قاطع اعلام کرد که: «سند الکترونیکی در حکم سند کاغذی است مشروط بر آن که اصالت صدور و تمامیت آن محرز باشد. در هر موردی که به موجب قانون، تنظیم اوراق یا اسناد و همچنین صدور یا اعطاء مجوز، اخطار و ابلاغ، مبادله وجه و مانند آن ضروری باشد، انجام الکترونیکی آن با رعایت مفاد قانون تجارت الکترونیک مجاز بوده و کفایت می‌نماید».^۷

سه سال بعد، کار به جایی رسید که قانونگذار در ماده ۶۵۵ قانون دادرسی الکترونیک، هرگونه سند، مدرک، نوشته، برگه اجراییه، اوراق رأی، امضا، اثر انگشت، ابلاغ اوراق قضایی، نشانی و مانند آن را در شکل رایانه‌ای در حوزه دادرسی نیز به رسمیت شناخت. جسارت و تاکید قانونگذار در الکترونیکی کردن امور، که ناشی از درک اهمیت آن است، به حدی است که با گنجانیدن عبارت «و مانند آن»، دامنه فوق‌العاده‌ای به مفاهیم مدارک مورد نظر داده است. مجموعه مقررات و قوانین فوق، تحولی شگرف است که نه تنها در آیین دادرسی و قوه قضائیه، بلکه لاجرم در همه امور اجرایی و دولتی تأثیرات خود را خواهد گذاشت.

شاید از عنوان قانون «دادرسی الکترونیکی» چنین به نظر برسد که الزام تجمیع اطلاعات صرفاً متوجه قوه قضائیه است. اما استدلال‌های دیگری می‌توان آورد که چنین نیست، برای تحقق عدالت، در دادرسی الکترونیکی اطلاعات موجود در سایر دستگاه‌های زیر مجموعه قوه قضائیه و حتی قوه مقننه نیز لازم است. در خود شورای ۲۰ نفری پیش‌بینی شده در قانون دادرسی الکترونیک وزیر ارتباطات و فناوری و وزیر دادگستری و فرمانده نیروی انتظامی نیز عضو هستند. در تبصره ۲ ماده ۶۵۱ قانون مزبور، مراجع انتظامی و سایر ضابطان و دستگاه‌ها، هیأت‌ها و کمیسیون‌های ذیربط موظف شده‌اند اطلاعات مرتبط با امور قضایی خود را در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه قرار دهند و آنها را روزآمد نگه دارند. مراکز نامبرده در این تبصره را نمی‌توان منصرف به مراکز زیر مجموعه قوه قضائیه دانست، چرا که این مراکز صراحتاً در اصل ماده احصاء شده‌اند و بر قانونگذار، تکرار روا نیست.

در ماده ۶۵۲ قانون مزبور، قوه قضائیه موظف شده است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌های تابعه خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، «شبکه ملی عدالت» را راه اندازی کند. در تبصره همین ماده، به مراجع قضایی اجازه داده شده است که استعلامات قضایی و کسب اطلاعات لازم را از طریق شبکه ملی عدالت به عمل آورند و دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی و شخصیت‌های حقوقی بخش خصوصی موظف شده‌اند پاسخ لازم را از طریق شبکه مزبور اعلام

^۷. بهارستان فر، محمدرضا و مرکز مال‌میری، احمد، ارزیابی قوانین برنامه توسعه در پرتو شاخصه‌های قانون خوب، با تاکید بر قوانین برنامه چهارم و پنجم توسعه، نشریه تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۲، ۱۳۹۰، ص ۳۲.

کنند و عدم پاسخگویی جرم تلقی شده و مستنکف از مفاد این تبصره مشمول ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی - کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ است.

بند ت ماده ۶۵۴ قوه قضائیه را ملزم به ارائه اطلاعاتی مانند بهای منطقه‌ای املاک کرده است که مسئولیت تدوین این اطلاعات و مرجع اداری آنها، سازمان‌های خارج از پیکره قوه قضائیه است. بند ت مزبور اشعار می‌دارد: کلیه اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه هزینه دادرسی، مانند بهای منطقه‌ای املاک، کلمات «کلیه» و نیز «مانند» حاکی از توسعه مفهوم به خارج از بدنه قوه قضائیه است.

در ماده ۶۵۵ قانون مزبور، کلیه اسناد به شکل الکترونیکی به رسمیت شناخته شده است. از آنجا که سند به مفهوم عام آن، در خارج از بدنه قوه قضائیه نیز تولید و بکار گرفته می‌شود، و مراجع قضایی مکلف و مجاز به استفاده و به کارگیری هرگونه از این اسناد شده‌اند، مراجع دیگر نیز مکلف به ارائه اسناد حوزه مدیریتی خود جهت تحقق دادرسی الکترونیکی هستند.

در بند ۳ ابلاغ «سیاست کلی قضایی» توسط رهبر انقلاب اسلامی، لزوم همکاری سایر دستگاه‌ها با قوه قضائیه مورد تاکید قرار گرفته است که حتی از منظر اهتمام به پیشگیری از وقوع جرم که در این بند ذکر شده، نوع همکاری سایر قوا اگر از جنس تبادل اطلاعات باشد، عملاً راه را بر عدالت قضایی و تحقق دادرسی قضایی نیز هموار خواهد ساخت.

از مجموع سیاست‌های کلی یاد شده و قانون مزبور و به راحتی بر می‌آید که کلیه فرایندهای لازم در سازمان قضایی کشور باید به شکل الکترونیک رایانه‌ای انجام گیرد. در مجموع، قانون دادرسی الکترونیکی، در کنار قوانین دیگری مثل «قانون تجارت الکترونیک» مصوب هفدهم دی ماه ۱۳۸۳ و «قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» نظام اداری کشور را کاملاً به صورت الکترونیک تعریف کرده‌اند. همه اقدامات اداری و قضایی، در همه سازمان‌ها و نهادها باید به شکل رایانه‌ای در دسترس مردم باشد و مردم به سهولت در هر نقطه‌ای که باشند، هم اطلاعات لازم را کسب کنند و هم نیازهای خود را بدون مراجعه به ادارات حل و فصل کنند. تاکید قانونگذار بر الکترونیکی کردن امور به حدی است که علاوه بر وضع قوانین جامع و عام‌الشمول، درباره دسته از فرایندهای اداری از جمله نقل و انتقال اموال غیرمنقول، ثبت شرکت‌ها و واحدهای تولیدی، اخذ مجوز مراحل مختلف صادرات و واردات و امور مربوط به اتباع بیگانه که انجام آن به چند سازمان مربوط می‌گردد صراحت به خرج داده، و دستگاه‌ها را مکلف به ایجاد و راه‌اندازی فرایندهای مرتبط و مکانیزه به گونه‌ای که نیاز به مراجعه اشخاص به ادارات مزبور به حداقل کاهش یابد، کرده است. نکته جالب توجه دیگر این که قانونگذار، هم برای تدوین آیین‌نامه‌ها و هم برای اجرای مقررات وضع شده، در اکثر مواد، مهلت معینی را مقرر داشته و مجریان را به انجام تکالیف خود در مدت‌های محدودی مثل یک ماه، سه ماه، شش ماه و یک سال مکلف کرده است و با توجه به این که از زمان تصویب قوانین یاد شده، بیش از این مهلت‌ها سپری شده است، علی‌القاعده تمامی اقدامات قانونی می‌باید تاکنون عملی شده باشد.

به راحتی می‌توان پیش‌بینی کرد که با چنین روندی، شیوه‌های سنتی آیین دادرسی منسوخ یا متروک خواهند شد و قضات هشیار و وکلا و حقوقدانان راه حل‌هایی را بر خواهند گزید که آنان را سهل‌تر و سریع‌تر به تصمیم عادلانه برساند. مراجعه به دادگاه‌ها و احقاق حق از طریق دادگستری، با اطلاعات کامل و دقیق، و حذف بسیاری از مقررات

زائد و مواعد طولانی، بسیار سریع‌تر از آنچه که هست انجام خواهد شد و با اشراف به روز مردم به حق و تکلیف خود، چه بسا دعوایی که مطلقاً حذف و منتفی خواهند شد.

بند اول: تاثیر در فرایند دادرسی

با توجه به اینکه ادله الکترونیکی و ادله سنتی در فرایند دادرسی یک هدف را دنبال می‌کنند و آن هم کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه بر اساس موضوع اختلاف است، لذا تاثیری که این ادله اعم از سنتی و الکترونیکی در فرایند دادرسی ایفا می‌کنند با یکدیگر تفاوت نداشته و از جمله نقاط اشتراک محسوب می‌شود، زیرا در اینجا مصداق و تفاوت آنها مهم نیست، بلکه تاثیر آنها بر دعوی است که هر دو تاثیری مشترک دارند.

بند دوم: تسهیل کننده کشف حقیقت

نرم افزار یا سخت افزار الکترونیکی به عنوان اوضاع و احوال خارجی ممکن است در پرونده‌های قضایی مورد استناد قرار گیرد و در این صورت مانند هر امر خارجی دیگری می‌تواند تشکیل قرائن و امارات دهد و در نتیجه به عنوان دلیل مورد پذیرش واقع گردد و از این حیث بین این دلایل و سایر امارات تفاوتی نیست تا خصوصیتی اقتضاء مطالعه ویژه چنین ادله‌ای داشته باشد. لکن به موجب قانون تجارت الکترونیکی در صورت مفید علم بودن برای قاضی اعتبار خواهند داشت.^۸ بنابراین باید گفت در اینکه هم ادله سنتی و هم ادله الکترونیکی نهایتاً به دادرسی کمک خواهد کرد تا حقیقت کشف شود و دادرسی عادلانه باشد و حقی نا حق نشود، اشتراک وجود دارد.

بند اول: تاثیر در فرایند دادرسی

با توجه به اینکه ادله الکترونیکی و ادله سنتی در فرایند دادرسی یک هدف را دنبال می‌کنند و آن هم کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه بر اساس موضوع اختلاف است، لذا تاثیری که این ادله اعم از سنتی و الکترونیکی در فرایند دادرسی ایفا می‌کنند با یکدیگر تفاوت نداشته و از جمله نقاط اشتراک محسوب می‌شود، زیرا در اینجا مصداق و تفاوت آنها مهم نیست، بلکه تاثیر آنها بر دعوی است که هر دو تاثیری مشترک دارند.

بند دوم: تسهیل کننده کشف حقیقت

نرم افزار یا سخت افزار الکترونیکی به عنوان اوضاع و احوال خارجی ممکن است در پرونده‌های قضایی مورد استناد قرار گیرد و در این صورت مانند هر امر خارجی دیگری می‌تواند تشکیل قرائن و امارات دهد و در نتیجه به عنوان دلیل مورد پذیرش واقع گردد و از این حیث بین این دلایل و سایر امارات تفاوتی نیست تا خصوصیتی اقتضاء مطالعه ویژه چنین ادله‌ای داشته باشد. لکن به موجب قانون تجارت الکترونیکی در صورت مفید علم بودن برای قاضی اعتبار خواهند داشت.^۹ بنابراین باید گفت در اینکه هم ادله سنتی و هم ادله الکترونیکی نهایتاً به دادرسی کمک خواهد کرد تا حقیقت کشف شود و دادرسی عادلانه باشد و حقی نا حق نشود، اشتراک وجود دارد.

^۸. زرکلام، ستار، امضای الکترونیکی و جایگاه آن در نظام ادله اثبات دعوا نشریه مدرس، دوره هفتم، ۱۳۸۲، ص ۱۳.

^۹. زرکلام، ستار، امضای الکترونیکی و جایگاه آن در نظام ادله اثبات دعوا نشریه مدرس، دوره هفتم، ۱۳۸۲، ص ۱۳.

آنچه در بحث استنادپذیری ادله الکترونیک حایز اهمیت است، این است که این ادله در طبقه‌بندی ادله سستی جای نمی‌گیرند، بنابراین ابتدا باید دید اساساً اینگونه دلایل دارای ارزش اثباتی هستند یا خیر؟ و پس از آن قابلیت استناد، موضوع متناسب بودن دلایل به شخص معین و معتبر بودن آنها مطرح می‌شود.

اصولاً این ایراد در خصوص رویه قضایی ایران مطرح می‌باشد که چرا در حقوق ایران در پرونده‌های حاضر، موارد کمی به ادله رایانه‌ای اختصاص داده شده است؟ شاید پاسخ اولیه این باشد که این «دلیل» به جهت نبودن، هنوز از جهت ارزش اثباتی وضعیتهای برای قضات مشخص نمی‌باشد.

در حقوق ایران با اینکه قانون اخیرالتصویب جرایم رایانه‌ای به طور خاص در بخش دوم تحت عنوان آیین دادرسی فصل دوم را به جمع‌آوری ادله الکترونیکی اختصاص داده است اما بحثی از ارزش اثباتی این ادله به میان نیاورده است. با این حال یکی از نوآوری‌هایی که قانون تجارت الکترونیکی در سال ۱۳۸۲ در نظام حقوقی ایران به وجود آورد اعتبار بخشیدن به دلایل الکترونیکی در مراجع قضایی بوده است.

همانطور که گفته شد در قانون آیین دادرسی مدنی دلیل تعریف شده است، با این حال قانون مدنی در ماده ۱۲۵۸ بدون تعریف دلیل، دلایل اثبات دعوا را شامل اقرار، اسناد کتبی، شهادت، سوگند و اماره می‌داند. حقوقدانان ایران تقریباً در اینباره متفق القول هستند که دلایل مذکور در ماده ۱۲۵۸ جنبه حصری دارند و امری که به عنوان دلیل ارایه می‌شود باید مشمول تعریف یکی از ادله اثبات دعوا که در قانون آمده قرار گیرد.^{۱۰}

با این حال به نظر برخی حقوقدانان نظام حقوقی ایران آمیزه‌ای از دو شیوه تعبدی نظام قانونی و اقناعی نظام معنوی را پذیرفته است به گونه‌ای که اقرار و اسناد و امارات قانونی تابع شیوه تعبدی و شهادت و اماره قضایی در شمار دلایل اقناعی است و اعتبار آن وابسته به میزان اثری است که در اقناع دادرس دارد.^{۱۱}

در خصوص ارزش اثباتی دلایل الکترونیکی در حقوق ایران قانون تجارت الکترونیکی در ماده ۱۲ بر اصل لزوم پذیرش دلایل الکترونیکی از سوی محاکم و ادارات تصریح کرده و مقرر می‌دارد: «اسناد و ادله اثبات دعوی ممکن است به صورت داده پیام بوده و در هیچ محکمخ یا اداره دولتی نمیتوان بر اساس قواعد ادله موجود، ارزش ثبانی داده پیام را صرفاً به دلی شکل و قالب آن رد کرد». در بند الف ماده ۲ قانون مذکور داده پیام تعریف شده است به هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهومی که با وسایل الکترونیکی، نوری و یا فناوری جدید اطلاعات، تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود. بنابراین محتوای داده پیام می‌تواند نوشته، صدا، تصویر یا مجموعه‌ای از آنها و یا هر نماد دیگری از یک واقعیت باشد.^{۱۲}

^{۱۰}. شمس، عبدالله، منبع پیشین، جلد سوم، ص ۹۷.

^{۱۱}. کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷، ص ۲۷.

^{۱۲}. زرکلام، ستار، منبع پیشین، ص ۱۷۷.

لازم به ذکر است که هر نوع داده پیامی نمی‌تواند معتبر باشد بلکه مطابق ماده ۱۴ قانون تجارت الکترونیک داده پیام‌هایی که به طریق مطمئن ایجاد و نگهداری شده‌اند در حکم اسناد معتبر و قابل استناد در مراجع قضایی و حقوقی می‌باشند. شرایط مطمئن بودن داده پیام نیز در ماده ۱۰ قانون مذکور آمده است.

ماده ۱۵ قانون تجارت الکترونیک مقرر می‌دارد که نسبت به داده پیام مطمئن و سوابق الکترونیکی مطمئن و امضای الکترونیکی مطمئن انکار و تردید مسموع نیست و تنها میتوان ادعای جعلیت به داده پیام مزبور وارد یا ثابت نمود که داده پیام مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است. در واقع، این ماده بی‌آنکه نامی از سند رسمی، ببرد، ارزش و اعتبار دلایل مزبور را در حکم سند رسمی فرض کرده است. علت عدم ذکر سند رسمی ظاهراً احتیاط بیش از حد قانونگذار است زیرا در حقوق ایران سند رسمی تعریف معینی دارد که در ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی به کار رفته است: «اسناد رسمی که در ادارات ثبت اسناد و املاک یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند، رسمی است».

شاید قانونگذار به علت فقدان این تشریفات در خصوص ادله الکترونیکی در اطلاق سند رسمی بر آنها احتیاط کرده است ولی ارزش اثباتی آنها در عمل در ماده ۱۵ قانون مذکور به عنوان سند رسمی مطابق ماده ۱۲۹۲ قانون مدنی پذیرفته است.^{۱۳}

در عین حال که مواد ۱۴ و ۱۵، برای ادله‌ای که به طریق مطمئن ایجاد شوند اعتباری در حد اسناد رسمی می‌شناسند ماده ۱۳ قانون تجارت الکترونیک مقرر می‌دارد به طور کلی، ارزش اثباتی داده پیام‌ها با توجه به عوامل مطمئن از جمله تناسب روش‌های ایمنی به کار گرفته شده با موضوع و منظور مبادله داده پیام تعیین می‌شود. شاید تصور شود که این ماده دست قاضی را در تشخیص ارزش دلایل الکترونیکی عادی در مقایسه با سایر دلایل بازگذاشته است. در راستای تبیین مواد مزبور نظرات مختلفی مطرح شده است. برخی معتقدند که قانون تجارت الکترونیک در ماده ۱۴ پیام را در حکم اسناد معتبر و قابل استناد دانسته و در ماده ۱۵ انکار و تردید را نسبت به آن مسموع ندانسته است. به عبارت دیگر مقنن از پیش، ارزش اینگونه دلایل را در مقایسه با برخی از ادله سنتی اثبات دعوا نظیر اسناد عادی تعیین نکرده است.^{۱۴}

در عین حال در این‌باره نظر دیگری نیز وجود دارد بدین صورت که از ماده ۱۳ قانون تجارت الکترونیک می‌توان دو استفاده کرد، اول اینکه داده پیام ممکن است دارای ارزش اثباتی باشد، چنانچه ظاهر ماده حکایت دارد. در این راستا عبارت روش‌های ایمنی مذکور در ماده ۱۳ در بند ط ماده ۲ همین قانون تعریف شده است که بر مبنای آن رویه ایمن رویه‌ای است برای تطبیق صحت ثبت داده پیام منشاء و مقصد آن با تعیین تاریخ و برای یافتن هرگونه خطا یا تغییر در مبادله، محتوا و یا ذخیره سازی داده پیام از یک زمان خاص، یک رویه ایمن ممکن است با استفاده از الگوریتم‌ها یا کدها، کلمات یا ارقام شناسایی، رمزنگاری، روش‌های تصدیق یا پاسخ برگشت و یا طرق ایمنی مشابه انجام شود،

^{۱۳}. پورسید، بهزاد، قانون تجارت الکترونیک و نوآوری‌های آن، نشریه حقوقی دادگستری، شماره ۵۹، ۱۳۸۶، ص ۵۶.

^{۱۴}. زرکلام، ستار، منبع پیشین، ص ۱۹۷.

دوم اینکه اگر داده پیام فاقد شروط ایمنی یا عوامل مطمئن باشد از ارزش اثباتی برخوردار نخواهد بود این امر از مفهوم مخالف ماده ۱۳ حاصل می‌شود.

به نظر می‌رسد دیدگاه اول موجه باشد زیرا با قبول دیدگاه دوم اسناد الکترونیکی منحصر در اسنادی است که در حکم اسناد رسمی باشند و دیگر اسناد، معتبر نیستند که در این صورت با جود ماده ۱۴ و ۱۵ قانون تجارت الکترونیکی دیگر نیازی به وضع ماده ۱۳ نبود و همچنین از مفهوم ماده ۱۵ نیز می‌توان فهمید که در غیر موارد سند در حکم اسناد رسمی می‌توان علاوه بر جعل ادعای تردید، انکار نیز نمود که این خود موید پذیرش اسناد عادی الکترونیکی است که احراز ارزش اثباتی آن مطابق ماده ۱۳ با نظر قاضی است.

نکته قابل ذکر دیگر بحث تعارض دلایل سنتی با دلایل الکترونیکی است، همانطور که گفته شد قانونگذار از پیش، ارزش برخی از دلایل را که به طور مطمئن ایجاد می‌شوند نسبت به دیگر دلایل اعم از الکترونیکی و غیر آن تعیین کرده و آنها را در حکم سند رسمی قرار داده است و در سایر موارد ارزش دلایل را در حد اسناد عادی، به نظر قاضی واگذار کرده است.

بنابراین با مشخص شدن ارزش این ادله، علیرغم اینکه در قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ بحثی از ارزش اثباتی اینگونه دلایل نشده است اما در ماده ۵۰ همان قانون با وجود دو شرط داده‌های رایانه‌ای را قابل استناد دانسته است. یکی اینکه داده‌های رایانه‌ای توسط طرف دعوا یا شخص ثالثی که از دعوا آگاهی نداشته، ایجاد یا پردازش یا ذخیره یا منتقل شده باشد. دوم اینکه سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی مربوط، به نحوی درست عمل کند که به صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری داده‌ها خدشه وارد نشده باشد. منظور از استنادپذیری ادله الکترونیکی، واجد اعتبار بودن داده‌های رایانه‌ای و مخابراتی در محضر دادگاه و ایفای نقش در صدور رای مقتضی می‌باشد. همانطور که گفته شد برای استناد کردن به داده‌های رایانه‌ای باید دو شرط فوق‌الذکر اثبات شود. در مورد شرط اول که در قوانین دیگر به ویژه قانون تجارت در زمینه استناد به دفاتر سابقه دارد، از آن جهت مدنظر قرار گرفته که احتمال خدشه وارد کردن به داده‌ها به حداقل می‌رسد زیرا داده‌ها توسط کسی ایجاد، ذخیره یا انتقال می‌یابد که هیچ هدفی جهت بهره‌برداری از آنها در دعوای مطروحه دنبال نمی‌کند و به همین دلیل بعید است در اصالت و صحت آنها خدشه‌ای وارد نکند. به نظر می‌رسد با این توضیحات، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که به لحاظ مشکل بودن اثبات این دو مقوله، تنها داده‌های رایانه‌ای که واقعاً ارزش استناد در دعوای را دارند، از سوی طرفین دعوا ارایه شوند، زیرا به راحتی نمی‌توان صحت عملکرد یک سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی را اثبات کرد.

مع الوصف به طور کلی برای اینکه هرگونه اطلاعات در هر قالب اعم از الکترونیکی و غیرالکترونیکی، قابلیت ارائه به دادگاه، اعم از حقوقی یا کیفری را داشته باشد و مورد استناد قرار گیرد، باید اولاً هویت پدیدآورنده آن معلوم باشد و ثانیاً اطلاعات معتبر باشد. در غیر این صورت دلیل قابلیت استناد ندارد. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد منحصر به فرد فناوری اطلاعات و ارتباطات، ناشناختگی است یعنی در محیطی فعالیت‌های گوناگون انجام می‌شود که امکان انتساب فعل به پدیدآورده، به آسانی میسر نیست، فرایند احراز هویت پدیدآورندگان داده‌های الکترونیکی در سه مرحله خلاصه می‌شود:

با اعطای هویت، کلیه امور به تبع آن داده‌هایی که به وجود می‌آیند، دارای شخصیت می‌شوند و از ناشناختگی در می‌آیند با این حال هنوز در بعضی از حوزه‌های الکترونیکی، اصل بر ناشناختگی است، نمونه بارز آن، پست الکترونیک است. آنچه از سوی مرکز اصلی ارائه کننده خدمات پست الکترونیکی مانند یاهو و در گستره جهانی انجام می‌شود، الزامی به احراز هویت واقعی دارنده پست الکترونیکی نیست.

اعطای شناسه مانند یک شماره چند رقمی برای اینکه یکتایی هویت افراد حفظ شود و استیفاء از حقوق تخصیص یافته به آنها و همچنین مسئولیت‌های احتمالی، جنبه انحصاری‌شان را حفظ کنند، اینگونه علامت و نشانه‌ها اعطا می‌شوند. مرحله آخر احراز هویت، تایید است، چنانچه هویت با شناسه اعطا شده منطبق باشد و شناسایی به شکل صحیح انجام شود، مرحله تایید آغاز می‌شود. تایید به دنبال شناسایی صورت می‌گیرد و ناظر به شخصیت فردی است. به طور کلی برای تولید ابزارهای احراز هویت پدیدآورندگان اطلاعات، از جمله داده‌های الکترونیکی، بر روی سه نوع شناسه تمرکز می‌شود: الف) آنچه شخص می‌داند مانند گذر واژه ب) آنچه شخص دارد به وی اعطا می‌شود مانند کارت هوشمند ج) آنچه در وجودش هست مانند اثر انگشت.^{۱۵}

ابزاری که به طور خاص نظر قانونگذاران را به خود جلب کرده است، امضای الکترونیکی است که به عنوان نشانه ابزار هویت در اطلاعات مستند، رسمیت یافته است البته بایستی توجه نمود گزینه‌هایی که هزینه چندانی ندارند ولی هم اکنون در سطح گسترده‌ای به کار گرفته می‌شوند، با نقاط ضعف دیگری مواجهند و نمی‌توانند همه انتظارات نظام ادله اثبات را بر آورده سازند.

برای مثال گذر واژه به یک فرد تعلق می‌یابد و می‌تواند در احراز هویت مناسب باشد ولی نسبت به اعتبار داده‌های الکترونیکی اثر چندانی ندارد. این مهم به مدد فناوری رمزنگاری محقق شده است. در اینجا فرد می‌تواند داده‌های خود را رمزگذاری کند و متن خود را به یک رمز نوشته تبدیل کند.

بنابراین، نه تنها تمامیت داده‌ها تضمین می‌شود بلکه از آنجا که کلید اعطا شده جنبه انحصاری دارد به نوعی امضای دارنده آن نیز به شمار می‌آید و هویتش را اثبات می‌کند، سپس هنگامی که داده‌های رمزگذاری شده به دریافت کننده می‌رسد با کلید رمزگشایی که دارد متن اصلی را بازیابی می‌کند.^{۱۶}

دومین اصلی که رعایت آن در کنار احراز هویت پدید آورنده داده‌های الکترونیکی موجب استنادپذیری آنها می‌شود اعتبار است. اعطای ارزش اثباتی به ادله الکترونیکی به معنای پذیرش مطلق صحت و تمامیت دلیل ارائه شده نیست چرا که این ادله بسیار راحت‌تر از ادله فیزیکی قابل تغییرند. بنابراین محکمه می‌بایست به نحو مقتضی از صحت و اصالت آنها اطمینان حاصل کند.

^{۱۵}. جلالی فراهانی، امیرحسین، استنادپذیری ادله الکترونیکی در امور کیفری، تهران، نشریه فقه و حقوق، شماره ۱۵، ۱۳۸۶،

^{۱۶}. قاجاریونلو، سیامک، مقدمه‌ای بر زیرساخت کلید عمومی، نشریه انفورماتیک، ۱۳۸۱، ص ۲۳.

بدیهی است هر جا که در قانون از سند صحبت به میان آمده منظور اصول آنها است و تصویر رونوشت اسناد در صورتی قابل استناد هستند که اصل آنها موجود باشد. منظور از اصالت در دلایل الکترونیکی این است که تمامیت اطلاعات از زمانی که برای اولین بار به شکل نهایی آن ایجاد شده اثبات شود. مقصود از تمامیت هم این است که اطلاعات به شکل اولیه خود، به صورت کامل و بدون خدشه باقی مانده باشد.

بنابراین چنانچه سند موضوع دعوا و مورد استناد یکی از طرفین دعوا به صورت داده پیام باشد باید اصالت آنها با توجه به مقررات قانون تجارت الکترونیکی اثبات شود. نکته دیگر اینکه بر خلاف نظام ادله اثبات در امور مدنی، در نظام عدالت علاوه بر کنشگران اصلی جرم، یعنی بزهکار و بزه دیده، ذینفعان جدی دیگری هم حضور دارند که از آنها به عنوان مجریان قانون یاد می‌شود و به آنها اختیاراتی تفویض شده است تا بتوانند به مقامات قضایی و در راس آن به دادستان در کشف حقیقت کمک کنند اما در عین حال برای اینکه از اختیارات قانونی‌شان سوء استفاده نکنند، تضمین‌هایی نیز پیش‌بینی شده است تا حدی که در صورت عدم رعایت مقررات، ادله ارایه شده بی اعتبار خواهند بود. بنابراین دلایل باید به طرق مشروع و قانونی تحصیل شوند مثلاً درست است که از فضای سایبر به عنوان یک دنیای بدون مرز یاد می‌شود اما این به معنای بی‌ضابطگی آن نیست، اگر مجریان قانون بخواهند از طریق شبکه‌های رایانه‌ای، به داده‌های واقع در سیستم‌های رایانه‌ای مستقر در دیگر کشورها دسترسی یابند، به قلمروی حاکمیتی آنها تعرض می‌شود.^{۱۷}

کمیسیون مشورتی آیین دادرسی مدنی اداره حقوقی در جلسه مورخ ۱۳۴۴/۷/۱۷ به اکثریت چنین اظهار نظر کرده است: «دلایل اثبات دعوا به شرح مذکور در جلد سوم قانون مدنی، عبارت از اقرار و سند و شهادت و امارات و قسم می‌باشد و در فصل دهم از باب سوم قانون آیین دادرسی مدنی هم، طرز رسیدگی به دلایل مزبور پیش‌بینی شده و نوار ضبط صوت که در عین حال قابل تنفیذ بوده و وسیله مطمئنی نمی‌باشد و در قوانین ایران عنوانی ندارد و با وضع حاضر نمیتواند به عنوان دلیل در اثبات دعوی مورد استناد قرار گیرد». نظر اقلیت نیز بر این است که: «چون نوار ضبط صوت وسیله حفظ اقرار و محتوی آن اقرار است، لذا به نظر می‌رسد نوار ضبط صوت برای کشف حقیقت و یا اثبات امری، در مراجع قضایی قابل استفاده باشد و احتمال تقلید و تقلب در تهیه آن نمی‌تواند مؤثر در نظر فوق باشد، زیرا در مورد سایر دلایل هم چنین احتمالی هست، مثل جعل سند و شهادت کذب و سوگند دروغ و در مورد نوار اگر در اصالت آن اختلاف شود، محکمه به صحت آن رسیدگی میکند، همان طوری که به صحت یک سند، در صورت تعرض به آن رسیدگی می‌شود».^{۱۸}

شاید نظر اکثریت اداره حقوقی در این خصوص درست نباشد و نظر اقلیت صحیحتر باشد، زیرا اگرچه در امور کیفری و مدنی، ضبط صوت جزء دلایل احصاء نشده و مانند انگلیس اماره است، ولی باید توجه داشت که ارزش این اماره به عوامل مختلفی بستگی دارد، از جمله اینکه کارشناس مسأله چقدر تخصص دارد، صدا چقدر واضح ضبط

^{۱۷}. جلالی فراهانی، امیرحسین، منبع پیشین، ص ۱۰۲.

^{۱۸}. سلجوقی، محمود و رامینی، یدالله، مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری در زمینه مسائل مدنی ضمیمه مجله حقوقی وزارت دادگستری، انتشارات دفتر تحقیقات و مطالعه وزارت دادگستری، ۱۳۷۰، ص ۱۰۹.

شده، کیفیت نوار چه میزان می‌باشد و... پس اینکه این اماره تا چه حد می‌تواند مستند قرار گیرد، به عوامل مختلف وابسته می‌باشد. برخی حقوقدانان خلاف این مطلب نظر داده‌اند و نظر اکثریت اداره حقوقی را من باب اینکه «نوار ضبط صوت در قوانین ایران عنوانی ندارد» قابل دفاع دانسته‌اند.^{۱۹}

ایراد دیگری نیز که میتوان بر نظر اکثریت اداره حقوقی وارد کرد این است که اگرچه چنین مواردی در قالب ادله سنتی که در فقه نیز آمده، قرار نمی‌گیرند، ولی در صورتی که ظن‌آور باشند می‌توانند به عنوان اماره مورد استفاده قرار بگیرند، و نظر اداره حقوقی در مورد اماره ندانستن آنها مورد ایراد است.

گفتار دوم: رویه قضایی اتحادیه اروپا

وضعیت ادله الکترونیکی در هر کشوری به اصول اساسی ادله در آن کشور بستگی دارد، در نتیجه باید میان دو گروه از کشورها تفکیک قائل شویم، در کشورهای رومی-ژرمنی اصل بر آزادی تحصیل و ارزیابی ادله است، دادگاه‌ها در این کشورها، اصولاً می‌توانند هر نوع دلیلی را به کار گیرند و در عین حال باید درجه اعتبار دلیل مربوط را مشخص کنند. نظام‌های حقوقی مبتنی بر این اصول، به طور کلی، به راحتی سوابق رایانه‌ای را دلیل تلقی می‌کنند.

برخلاف حقوق رومی - ژرمنی در نظام کامن‌لا روش رسیدگی شفاهی و تدافعی حاکم است. در این نظام شاهد فقط می‌تواند بر مبنای علم شخصی خود شهادت دهد و می‌توان صحت اظهارات او را با تحقیق از او احراز کرد، علم حاصل از منابع فرعی از قبیل اشخاص دیگر کتاب‌ها یا سوابق به عنوان ادله شفاهی که اعتبار آن مشخص نیست تلقی شده و اصولاً پذیرفته نمی‌شود. در این کشورها در خصوص این مساله که آیا فایل‌ها و پرینت‌های رایانه‌ای، ادله غیرمعتبر و غیرقابل استماع هستند و یا اینکه تحت شمول استثنائاتی قرار دارند بسیار بحث و گفتگو شده است.

برخی از کشورهای گروه کامن‌لا پرینت‌های رایانه‌ای را به عنوان ادله معتبر به طور استثناء پذیرفته‌اند. برخی دیگر قوانین و لویحی تدوین نموده‌اند که سوابق رایانه‌ای را فقط در صورت تحقق برخی شرایط معین به عنوان دلیل می‌پذیرند.^{۲۰}

در رویه قضایی که تا حد زیادی به جهت مبتنی بودن سیستم انگلیسی بر آراء، مختص آن می‌باشد، ابتدا ادله مختص رایانه به جهت ویژگی‌های خاص آن و متعاقباً سایر ابزارهای الکترونیکی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در مورد ادله به دست آمده از رایانه باید گفت که اثبات از طریق رایانه یکی از روش‌های اثبات به واسطه ابزار می‌باشد که به جهت علمی بودن، دارای قطعیت بیشتری نسبت به واسطه انسانی (شهادت، اقرار، قسامه) بوده و موارد استفاده از آن روز به روز در حال گسترش می‌باشد.

ادله رایانه‌ای در رویه کشورهای اروپایی و مخصوصاً انگلیس قابل جستجو بوده و حقوقدانان نیز از این دو منبع الهام گرفته‌اند، در ادله رایانه‌ای گاهی این ادله به دستگاه رایانه و گاهی با سیستم‌های جانبی مرتبط به دستگاه رایانه، مثل

^{۱۹}. شمس، عبدالله، منبع پیشین، ص ۹۹.

^{۲۰}. نوری، محمدعلی و نخجوانی، رضا، حقوق تجارت الکترونیکی، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۸۳، ص ۱۹۲.

اینترنت مرتبط می‌باشند. منظور از ادله مرتبط به دستگاه رایانه مواردی مثل فایل‌های ذخیره شده در حافظه رایانه و منظور از ادله مرتبط با سیستم‌های جانبی مرتبط به دستگاه رایانه، مواردی می‌باشد که به جهت ارتباط با شبکه اینترنت یا ارتباط چند رایانه با یکدیگر، به عنوان دلیل مورد توجه قرار می‌گیرند. نمونه حالت دوم در یک پرونده انگلیسی اشاره می‌شود:

در پرونده‌ای^{۲۱} فرد الف متهم به نگهداری تصاویر قبیح از کودکان شد. در واقع اتهام وی کپی نمودن برخی صور قبیحه از یک سایت به سایت شخصی خود بود. توضیح اینکه افراد ممکن است برای خود دارای سایت شخصی باشند که در این صورت، تنها صاحب سایت می‌تواند در صفحه آن تغییراتی را ایجاد کند، زیرا اصولاً رمز تغییر مطالب سایت، در اختیار خود فرد قرار دارد و در صورتی که در سایت او صور قبیحه‌ای به نمایش درآمده، واضح می‌باشد که صاحب آن، چنین کاری را انجام داده است. این پرونده زمانی مطرح شد که در منزل فردی، تعدادی سی دی حاوی عکس‌های قبیح اطفال، یافت شد. اینکه وجود یک عکس در سایت شخصی فرد، تا چه حد می‌تواند علیه او باشد و اینکه آیا این امکان وجود دارد که کسی دیگر، چنین عکس‌هایی را در پایگاه اینترنتی فرد جای سازی کرده باشد، سوالی است که توسط متخصصین قابل پاسخ می‌باشد. ولی به هر ترتیب اینها ادله واقعی^{۲۲} بوده که می‌توانند علیه فرد پذیرفته شوند، زیرا پاسخ متخصصین امر متضمن مسئولیت دارنده پایگاه اینترنتی است.

در پرونده دیگری نمونه حالت اول (ادله مرتبط با دستگاه رایانه) مطرح گشت. در این پرونده الف متهم به همدستی با فرد ب، در وارد کردن مواد مخدر شد. تلفن‌هایی که توسط ب از یک هتل (با ثبت کامل شماره تلفن، تاریخ تلفن و مدت تماس در رایانه هتل) به او صورت گرفته بود از جمله دلایل علیه او به شمار می‌آمد. مسأله اصلی در خراب نبودن تلفن و ارزش اثباتی رایانه به عنوان یک دلیل واقعی و نه شهادت بر شهادت بود. مشکل اول با تأیید یک مهندس رایانه و مسأله دوم با توجه به نبودن یک واسطه انسانی (که در شهادت بر شهادت مورد نیاز می‌باشد)^{۲۳} حل شد و این دلیل به عنوان یک دلیل واقعی احتساب گشت. چالش مهم، ماده ۶۹ قانون *Pace* می‌باشد که در صورت ارایه شدن اطلاعات رایانه‌ای، آن اطلاعات را مورد پذیرش قرار نمی‌دهد، مگر اینکه دارای ویژگی «دلیل واقعی» باشند، یعنی صحت مطالب آن، تأیید شود.

انتقادی که حقوقدانان بر این ماده وارد نموده‌اند، همان عدم پذیرش اطلاعات رایانه‌ای می‌باشد که در ماده ۶۹ آمده است، دو موضوع از یکدیگر قابل تفکیک می‌باشد. اگر هدف وارد کردن ایراد به سالم بودن رایانه باشد، ایرادی منطقی است و در هر موردی که ادله رایانه‌ای مورد استناد قرار می‌گیرد، باید سالم بودن رایانه نیز تأیید شود. ولی اینکه در صورت سالم بودن نیز، اصل بر عدم پذیرش اطلاعات باشد، امری ناصحیح بوده، که توسط حقوقدانان انگلیسی نیز مورد بحث قرار گرفته است. از طرف دیگر عدم پذیرش این اطلاعات، خلاف دستورالعمل تجارت الکترونیکی اتحادیه اروپا می‌باشد.

^{۲۱}. *R v. Skinner, Philip, EWCA Crime*, ۱۴۳۹, ۲۰۰۵.

^{۲۲}. *Case Comment; Computer Printouts – Real Evidence or Documentary Evidence*, *Criminal Law Review*, ۱۹۹۱ mar pp. ۱۹۹-۲۰۲

^{۲۳}. *Emson, Raymond, Evidence*, *Second Edition*, *Palgarve Publishing*, London, ۲۰۰۴.

علیرغم چنین ماده‌ای رویه قضایی انگلیس همچنان در دعاوی مختلف برای ثبت رایانه‌ای و حتی ثبت دستگاه ارز یک دلیل واقعی را قائل هستند. از جمله آنها سرعت سنج و یا هر دستگاه دیگری می‌باشد که دارای حافظه است. البته شاید این ایراد وارد شود که شاهد نیز حافظه دارد، پس ارزش اثباتی آن نیز باید در حد یک دلیل واقعی باشد. در جواب این ایراد می‌توان گفت که حافظه شاهد بنا به دلایل مختلف قابل خدشه و نقصان بوده، در حالی که چنین ایرادی کمتر برای ابزارهای الکترونیکی پیش می‌آید. به همین جهت قاضی «مک فرسون»^{۲۴} فرق بین شاهد و دستگاه را اساسی می‌داند و به دستگاه ارزش یک دلیل واقعی را می‌دهد.

در مورد اطلاعات وارد شده به رایانه شاید بتوان ایراد دیگری را نیز وارد کرد. بین رایانه‌ای که به بر روی اطلاعات وارده بر آن عملیاتی انجام می‌دهد و رایانه‌ای که معمولاً بیش از نگهداری و ضبط اطلاعات کار دیگری را انجام نمی‌دهد، فرق وجود دارد. در پاسخ به این تفکیک باید گفت که چنین فرق‌گذاری صحیح نمی‌باشد و فرقی از جهت ارزش اثباتی، بین اطلاعات موجود در رایانه‌های بانک که معمولاً بر روی آن محاسبات خاصی انجام می‌دهند و رایانه‌های شخصی که معمولاً کار زیادی روی اطلاعات انجام نمی‌دهند، وجود ندارد.

در خصوص سایر ابزارهای الکترونیک نیز باید گفت که اساساً منظور از سایر ابزارهای الکترونیکی مواردی می‌باشند که به آنها اطلاق رایانه صورت نمی‌گیرد. یعنی محاسبات و عملیات ویژه رایانه را انجام نمی‌دهند. در این قسمت نیز با ذکر برخی پرونده‌ها، به توضیح موضوع پرداخته می‌شود.

دوربین از جمله ابزارهای الکترونیکی می‌باشد که می‌تواند در اثبات و کشف جرائم کمک کند. منظور از کشف یعنی ثبت چهره متهم که در چنین حالتی با قرار دادن تصویر وی در اختیار ضابطین، وی تعقیب شده یا در صورتی که دارای سابقه باشد از طریق چهره، سایر مشخصات او مثل محل سکونت یا کار، استخراج شده و راحتتر تحت پیگرد قرار می‌گیرد. منظور از اثبات نیز میزان قابلیت استناد تصویر اخذ شده از دوربین به متهم می‌باشد، زیرا چه بسا این شک ضعیف مطرح گردد که تصویر به دست آمده از دوربین، صرفاً شبیه متهم دستگیر شده است. یا ممکن است وضعیت از این هم پیچیده‌تر باشد، مثلاً مجرم در حین ارتکاب جرم، نقاب به چهره دارد. البته وضعیت‌های مشروحه زمانی مطرح است که دوربین، از متهم در حین ارتکاب جرم (و نه در حالت صحبت و تبانی احتمالی با دیگری برای ارتکاب جرم در آینده) فیلم گرفته و گرنه وضعیت فرق نموده و منطبق با پرونده ذیل خواهد شد.

در یکی از پرونده‌های انگلیسی، فرد متهم به نگهداری تعدادی از اموال مسروقه شد، این پرونده دارای اهمیت امنیتی بود، زیرا اموال مسروقه، اموالی بودند که احتمال استفاده از آنان در شورش و یا اقدامات ضد امنیتی وجود داشت. تنها دلیل مطرح علیه متهم، تصاویر ضبط شده از او توسط دوربین در یک مکان در حال صحبت با فرد ثالثی بود که در این خصوص فقط چهره فرد ضبط شده بود و صدایی وجود نداشت. به جهت اهمیت موضوع، از یک کارشناس لب خوانی دعوت شد که صحبت‌های رد و بدل شده بین این دو نفر را شناسایی و تشریح کند. کارشناس در این شناسایی، تبانی آن دو را در خصوص جرم احتمالی آینده و جرمی که در گذشته مرتکب شده‌اند، تایید کرد. دادگاه

^{۲۴}. Case Comment 'Computer Printouts – Real Evidence or Documentary Evidence' *Criminal Law Review*, ۱۹۹۱, Mar pp. ۱۹۹-۲۰۲.

بدوی حکم به محکومیت فرد صادر کرد. موضوع در دادگاه تجدیدنظر مورد بحث قرار گرفت و قاضی دادگاه تجدید نظر نیز حکم را تأیید کرد، ولی در حکم صادره اینگونه آمد که چون قاضی بدوی در خصوص محتمل بودن تشخیص از طریق «لبخوانی» اخطار مربوطه را به هیأت منصفه داده، این حکم فاقد نقص می‌باشد و اگر نه احتمال رد آن وجود داشته است.^{۲۵}

شاید تفاوت رایانه و سایر ابزارهای الکترونیکی در این باشد که رایانه عموماً به اثبات جرم کمک می‌کند، در حالی که سایر ابزارهای الکترونیکی از جمله دوربین که در این پرونده نیز به آن اشاره شد، می‌توانند از طریق ضبط چهره مجرمین در تعقیب و شناسایی آنها نیز به کار روند. از جمله ابزارهای الکترونیکی دیگر، ضبط صوت‌هایی می‌باشد که صرفاً صدای فرد را ضبط می‌کنند. آیا به نوار به دست آمده از این دستگاه‌های ضبط صوت، می‌توان اعتماد نمود و به آنها ارزش داد؟ تشخیص از طرق صدا، می‌تواند در دعاوی کیفری و مدنی مورد استناد قرار گیرد. در دعاوی کیفری ممکن است تهدید فردی علیه دیگری در دستگامی ضبط شده و در دادگاه مورد استناد قرار گیرد. متأسفانه همان گونه که در یکی از پرونده‌های ذیل به آن اشاره می‌شود، صدای ضبط شده در رویه ایران دارای ارزش زیادی نمی‌باشد. شاید قبل از اینکه علت آن به اماره و ظنی بودن برگردد، به نداشتن دستگاه‌های کافی برای اثبات این استناد در صداشناسی مرتبط باشد. برعکس در حقوق انگلستان، صداهای ضبط شده توسط ابزارهای الکترونیکی دارای ارزش بالایی هستند و در صورتی که به موجب اخطار «Turnbull» آن تشخیص صدا فاقد ایران باشد، می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

^{۲۵}. *Ress, Tom and Robert A.J. Case Comment; Evidence: Expert Evidence Lip Reading, Criminal Law Review*, ۲۰۰۴, Nov pp ۹۳۹-۹۴۱.

نتیجه‌گیری

دادرسی الکترونیکی به تبع تغییر و تحولات تکنولوژی و علوم رایانه‌ای، در ایران و حقوق کشورهای اتحادیه اروپا مورد استفاده قرار گرفته و رفته رفته به متن قوانین نیز نفوذ کرده و دارای چهارچوب مدون و تقنینی شده است و امروزه به واسطه رشد فناوری‌ها و تکنولوژی‌ها، محیط الکترونیکی از جنبه‌های مختلف، بسیار بیش از پیش کاربردی شده و به تبع این امر در اختیار همگان قرار گرفته است و در قالب شبکه‌های اجتماعی، پایگاه‌های الکترونیکی و دیتاهای مرکزی، بسیاری از امور دولتی نظیر بانک، بیمه و یا اطلاع‌رسانی‌ها و خبرگزاری‌ها و ارتباطات و حتی امور قضایی و رسیدگی و ادله اثبات دعوی به این محیط منتقل شده و از آن بهره‌برداری می‌گردد.

در روند دادرسی الکترونیکی بحث ادله اثبات دعوا و استناد به ادله الکترونیکی از جمله مباحث چالشی بوده است، در خصوص تفاوت ادله سنتی و الکترونیکی، نتایج تحقیق بیانگر این تفاوت است که داده‌های الکترونیک را می‌توان به صورت بسیار فشرده ذخیره کرد، به همین جهت بایگانی آنها به علت کم حجم بودن آسانتر است و از طرف دیگر به راحتی می‌توان آنها را مخفی کرد، ضمناً دلیل الکترونیک، بر خلاف سند کاغذی، ملموس و عینی نیست، به همین جهت به آسانی قابل دستیابی نیست بلکه صرفاً از طریق برنامه نرم افزاری که آن را ایجاد کرده است قابل خواندن می‌باشد و در صورتی که آن برنامه موجود نباشد، سند مزبور قابل دستیابی نیست. بنابراین ادله سنتی و الکترونیکی در آثار و کارکرد با یکدیگر متفاوت هستند، کارکرد ادله الکترونیکی به دلیل تفاوت مصداقی با ادله سنتی، در تشریفات استفاده و به کارگیری متفاوت از ادله سنتی است، علیرغم این تفاوت، موارد مشابهت میان ادله سنتی و الکترونیکی نیز وجود دارد که در قالب موثر بودن در فرایند دادرسی، و تسهیل‌کنندگی در کشف حقیقت قابل بررسی است.

نتایج و یافته‌های پژوهش بیانگر این است که هم در حقوق ایران در قوانینی نظیر قانون تجارت الکترونیکی، آیین‌نامه جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیک، قوانین پنج ساله توسعه، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون جرایم رایانه‌ای و غیره و هم در حقوق کشورهای اتحادیه اروپا نظیر قانون مدنی فرانسه و قانون دلایل انگلستان مصب ۱۹۹۵ و رویه قضایی کشورهای اروپایی دیگر و قوانین دیگر نظیر قانون نمونه آنسیترال، کنوانسیون سازمان ملل در خصوص

استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی و غیره به این موضوع توجه شده و امروزه ادله اثبات الکترونیکی نظیر سند الکترونیکی، امضای الکترونیکی، اقرار یا شهادت الکترونیکی و غیره در دادرسی الکترونیکی تاثیر بسزایی داشته است.

همچنین نتایج تحقیق بیانگر این مساله است که مزایای بی‌شماری از جمله حفظ نسخه اصلی و ضعیف بودن احتمال نابودی آنها و البته امکان بازیابی و غیره در خصوص ادله الکترونیکی در دادرسی الکترونیکی وجود دارد و در کنار ادله سنتی و یا حتی به طور مستقل می‌تواند در فرایند دادرسی الکترونیکی تاثیر بسزایی بگذارد.

نتایج تحقیق نشان دهنده این است که در حوزه نحوه جمع‌آوری و البته استناد به داده‌ها نیز از همان چهارچوب ادله سنتی پیروی می‌کند مگر در برخی از موارد خاص و استثنایی که نظام مخصوصی برای جمع‌آوری و یا استناد به ادله الکترونیکی تعریف شده باشد. البته در حوزه جمع‌آوری ادله الکترونیکی، در حقوق کشورهای اروپایی برخی از حساسیت‌های حقوق بشری وجود دارد، از جمله احترام به حریم خصوصی، ممنوعیت استراق سمع، ممنوعیت نقض اطلاعات شخصی در فضای مجازی و غیره، این محدودیت در دسترسی تا بدین جا است که حتی شرکت آیفون در آمریکا حاضر به ارایه اطلاعات مشترکین خود که حتی در حوزه تروریسم فعالیت داشتند به دولت و نهادهای امنیتی نگردید و اطلاعات آنها اعم از پیامک‌ها، فعالیت آنها در فضای مجازی و غیره را حفظ کردند. این حساسیت در قوانین داخلی نیز در مرحله جمع‌آوری ادله الکترونیکی وجود دارد، اما آنطور که باید و شاید برای شنود مکالمات رایانه‌ای، محرمانه ماندن گفتگوهای خصوصی در شبکه‌های مجازی، حریم خصوصی و نظایر آنها قوانین دقیق و اختصاصی در نظر گرفته نشده است. در مجموع حقوق کشورهای اروپایی به واسطه دو عامل یعنی بهره‌گیری زودتر از علوم و تکنولوژی در دادرسی نسبت به ایران و تجربه تقنینی بیشتر در این حوزه، از مقررات داخلی پیشرفته‌تر محسوب می‌شود، اما در سال‌های اخیر در حقوق داخلی نیز تحولات قابل قبولی در این حوزه روی داده و دادرسی الکترونیکی و استناد به ادله الکترونیکی در جایگاه استاندارد قرار دارد.

نتایج تحقیق در خصوص تعارض ادله سنتی و الکترونیک از یک سو و ادله الکترونیکی با همدیگر موید این مطلب است که در حقوق داخلی، در این حوزه از مقررات حاکم بر ادله سنتی پیروی شده و همچنان علم قاضی بر هر ادله‌ای اولویت دارد در کشورهای اروپایی نیز آن دلیلی که بر اساس مقررات ادله مطمئن الکترونیکی محسوب می‌شود در فرض تعارض بر ادله دیگر که قابل تردید و شک و شبهه هستند اولویت خواهد یافت.

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان به ذکر چند پیشنهاد اشاره داشت که ذیلاً بیان خواهد شد:

۱. پیشنهاد اول معطوف به اصلاح و بازبینی قوانین مربوط به دادرسی الکترونیکی و مخصوصاً ادله الکترونیکی است، امروزه در بسیاری از قوانین و مقررات به صورت پراکنده و چندتکه به ادله الکترونیکی اشاره شده است، بخشی از آن در قانون آیین دادرسی کیفری است و بخشی در قانون جرایم رایانه‌ای و بخش دیگر در قانون تجارت الکترونیک و بخشی در قوانین توسعه و قسمتی نیز در آیین‌نامه جمع‌آوری و استناد پذیری ادله الکترونیک و غیره، در صورتی که قوانین کشورهای اروپایی به واسطه رونق گرفتن دادرسی الکترونیکی و بهره‌گرفتن از ادله الکترونیکی و تغییر جهت رسیدگی دعاوی به رسیدگی الکترونیکی، نسبت به وضع قوانین اختصاصی و البته جامع و یکپارچه و منسجم اقدام کرده‌اند، لذا اگر قرار است همسو با تحولات تکنولوژی، دادرسی‌های داخلی نیز از موهبت این تکنولوژی بهره‌مند شود نیازمند قوانین مدن و یکپارچه در حوزه دادرسی الکترونیکی و ادله الکترونیکی هستیم تا وضعیت تقنینی از این وضعیت نابسامان و چندپارچه رهایی پیدا کند.

۲. پیشنهاد دیگر معطوف به مرحله جمع‌آوری ادله الکترونیکی است که برخلاف قوانین کشورهای اروپایی، حساسیت چندانی برای ممنوعیت جمع‌آوری این دلایل در صورت تعارض با حریم خصوصی افراد و محرمانه بودن مکالمات رایانه‌ای و چت‌ها و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به چشم نمی‌خورد که قانونی کردن برخی از حساسیت‌ها که اتفاقاً ریشه اسلامی در ممنوعیت تجسس و استراق سمع دارد از جمله موارد ضروری است.

۳. پیشنهاد دیگر در خصوص استناد به ادله الکترونیکی است، در صورتی که در قوانین اروپایی، مصادیق بیشماری از ادله الکترونیکی برای کشف حقیقت به کمک دستگاه قضایی می‌آید، همچنان در حقوق داخلی ابهامات و مشکلاتی برای استناد به ادله الکترونیکی وجود داشته و استناد به بسیاری از ادله الکترونیکی نظیر عکس و فایل صوتی و غیره همچنان با مقاومت دستگاه قضایی روبرو است، برخی مصادیق اصلاً دلیل محسوب نشده و برخی از آنها نیز به صورت جدی با تردید روبرو می‌شوند، در صورتی که با استفاده از کارشناسان تکنولوژی می‌توان دایره شمول ادله الکترونیکی و فرصت استناد به آنها برای رسیدن سهل‌تر و سریعتر به حقیقت را ممکن نمود.

منابع

۱. موذن زادگان، حسن علی و شایگان، محمدرسول، *استناد پذیری و تحصیل ادله الکترونیکی در حقوق کیفری ایران*، نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۴۸، ۱۳۸۸.
۲. علی نژادی، محسن و علی نژادی، زهرا، *اعتبار داده پیام در قراردادهای داخلی و بین‌المللی در تجارت الکترونیک*، نشریه قانون‌یار، شماره ۳، ۱۳۹۶.
۳. عشق پور، منصور و اکبرپور، نعمت الله، *جایگاه دادرسی الکترونیک در حقوق ایران*، نشریه مطالعات علوم اجتماعی، شماره ۳، ۱۳۹۵.
۴. شهبازی نیا، مرتضی و عبدالهی، محبوبه، *دلیل الکترونیک در مظام ادله اثبات دعوا*، نشریه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۴، ۱۳۸۹، ص ۱۹۵.
۵. جعفری، حمیدرضا و یعقوبی، نورمحمد، *بررسی تاثیر کیفیت خدمات الکترونیک قضایی بر رضایتمندی شهروندان*، نشریه پژوهش‌های مدیریت عمومی، شماره ۲۴، ۱۳۹۳.
۶. دماوندی، مجید، مبانى، *موانع و رویکردها در تجارت الکترونیک ایران*، نشریه مدیریت فردا، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۴.
۷. بهارستان فر، محمدرضا و مرکز مالمیری، احمد، *ارزیابی قوانین برنامه توسعه در پرتو شاخصه‌های قانون خوب، با تاکید بر قوانین برنامه چهارم و پنجم توسعه*، نشریه تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۲، ۱۳۹۰.
۸. زرکلام، ستار، *امضای الکترونیکی و جایگاه آن در نظام ادله اثبات دعوا*، نشریه مدرس علوم انسانی، شماره ۲۸، ۱۳۸۲.
۹. شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی*، تهران، نشر دراک، ۱۳۹۱.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، *اثبات و دلیل اثبات*، تهران، انتشارات مجد، جلد ۲، ۱۳۹۱.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی در نظم حقوق کنونی*، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱.
۱۲. پورسید، بهزاد، *قانون تجارت الکترونیک و نوآوری‌های آن*، نشریه حقوقی دادگستری، شماره ۵۹، ۱۳۸۶.

۱۳. جلالی فراهانی، امیرحسین، *استنادپذیری ادله الکترونیکی در امور کیفری*، تهران، نشریه فقه و حقوق، شماره ۱۵، ۱۳۸۶.
۱۴. جلالی فراهانی، امیرحسین، *مزیت‌ها و محدودیت‌های فضای سایبری در حوزه‌های آزادی بیان، آزادی اطلاعات و حریم خصوصی*، نشریه مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۹، ۱۳۸۶.
۱۵. قاجاریونلو، سیامک، *مقدمه‌ای بر زیرساخت کلید عمومی*، نشریه انفورماتیک، ۱۳۸۱.
۱۶. سلجوقی، محمود ورامینی، یدالله، *مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری در زمینه مسائل مدنی ضمیمه مجله حقوقی وزارت دادگستری*، انتشارات دفتر تحقیقات و مطالعه وزارت دادگستری، ۱۳۷۰.
۱۷. نوری، محمدعلی و نخجوانی، رضا، *حقوق تجارت الکترونیکی*، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۸۳.
۱۸. R v. Skinner, Philip, EWCA Crime, ۲۰۰۵, ۱۴۳۹.
۱۹. قرجه لو، علیرضا، *ادله الکترونیکی در حقوق کیفری ایران و انگلستان*، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۳، ۱۳۸۹.
۲۰. مولودی، محمد و فراهانی، رسول، *بررسی تطبیقی افشای اسناد و اطلاعات الکترونیکی در ادله اثبات دعوا در حقوق انگلیس، آمریکا و ایران*، نشریه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۲، ۱۳۹۴.

٢١. Rens ،Tom and Robert ،A.J ،**Case Comment**; Evidence: Expert Evidence Lip Reading ، Criminal Law Review ،٢٠٠٤، Nov.
٢٢. Emson ،Raymond ،**Evidence** ،Second Edition ،Palgarve Publishing ،London ،٢٠٠٤.
٢٣. Rens ،Tom and Robert ،A.J ،**Case Comment**; Evidence: Expert Evidence Lip Reading ، Criminal Law Review ،٢٠٠٤، Nov.